

# سپیک دندان

نویسنده:

جک لندن

مترجم:

حانیه سلطانی

سرشناسه: لندن، جک، ۱۸۷۶ - ۱۹۱۶ م.  
**London, Jack**  
 عنوان و نام پدیدآور: سپید دندان / نویسنده جک لندن : مترجم حانیه سلطانی.  
 مشخصات نشر: تهران: پر، ۱۳۹۷.  
 مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.  
 شابک: 978-622-6041-12-6  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی: **White Fang**  
 موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.  
 موضوع: **American fiction -- 20th century**  
 شناسه افزوده: سلطانی، حانیه، ۱۳۷۷ - مترجم  
 رده بندی کنگره: PS ۳۵۳۰۵ ۱۳۹۷ ۴س/ن/  
 رده بندی دیویی: ۵۲/۸۱۳  
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۸۳۰۱۷



## سپید دندان



- نویسنده: جک لندن
- مترجم: حانیه سلطانی
- صفحه آرای: منیر علیزاده
- چاپ اول: ۱۳۹۷
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان
- شابک: 978-622-6041-12-6 ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۱۲-۶

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳  
 تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰  
[www.ParNashr.ir](http://www.ParNashr.ir)

## تقدیمی

---

ترجمه این اثر بوسه‌ای است ناقابل بر  
دستان مادر مهربانم

---

«حانیه سلطانی»



# فهرست مطالب



۷	سخن ناشر .....
۹	فصل اول .....
۱۱	۱) ردپای شکار .....
۲۲	۲) گرگ ماده .....
۳۵	۳) ناله‌ی گرسنگی .....
۴۷	فصل دوم .....
۴۹	۱) دندان‌ستیزها .....
۶۱	۲) غار درندگان .....
۷۱	۳) توله خاکستری .....
۷۷	۴) دیوار دنیا .....
۸۹	۵) قانون گوشت .....
۹۷	فصل سوم .....
۹۹	۱) آتش‌سازان .....
۱۱۴	۲) اسارت .....
۱۲۴	۳) طردشده .....

## ۶ جز سپید دندان

۱۲۹..... (۴) رد پای خدایان

۱۳۶..... (۵) قول و پیمان

۱۳۹..... (۶) خشک سالی

### فصل چهارم ..... ۱۵۱

۱۵۳..... (۱) دشمن نسل خود

۱۶۲..... (۲) قدرتمند دیوانه

۱۷۱..... (۳) قدرت تنفر

۱۷۶..... (۴) مرگ بی‌امان

۱۸۷..... (۵) سرکش

۱۹۴..... (۶) خداوند عشق و محبت

### فصل پنجم ..... ۲۰۳

۲۰۵..... (۱) سفر طولانی

۲۰۹..... (۲) سرزمین جنوب

۲۱۶..... (۳) در قلمرو خدا

۲۲۴..... (۴) آوای هم‌جنس

۲۲۹..... (۵) خواب گرگ

## سخن ناشر



رمان «سپید دندان» شاهکار «جک لندن» نویسنده آمریکایی است که نخست به صورت پاورقی در مجله *آوتینگ* در سال ۱۹۰۶ منتشر شد. داستان در جریان تب طلای کلوندایک رخ می‌دهد. «جک لندن» زندگی سگی را که خون گرگی دارد دنبال می‌کند. او در این رمان به مسائل اخلاقی تقابل وحشی‌گری و تمدن انسانی می‌پردازد.

«سپید دندان» بیش از هر چیز اثری است در مقابل «آوای وحش» که سه سال پیش از آن چاپ شده بود. اگر در آنجا «باک»، سگ اهلی خانگی، به گرگی درنده تبدیل می‌شود، در اینجا حیوانی وحشی که سه‌چهارم آن گرگ و یک‌چهارم آن سگ‌گرگی است، اهلی می‌شود و به کمک انسان می‌آید.

«جک لندن» در پایان این اثر می‌گوید:

قانونی که او آموخته بود عبارت بود از «اطاعت از قوی‌تر و زورگویی به ضعیف‌تر».

لندن که زیر نامه‌هایش را با عنوان گرگ امضا می‌کرد، قیاس‌های آشکاری میان دنیای انسان و حیوان می‌کند؛ ولی از جنبهٔ انسانی و بخشیدن بی‌اندازه به حیوان پرهیز می‌کند. دوگانگی ناگشوده بین فردگرایی و سوسیالیسم که وی در زمان زندگی پاسخش را یافت، پایان این رمان را

رقم می‌زند. «سپید دندان» در تقابل با باک در «آوای وحش»، جامعه را می‌پذیرد بی‌آن که تمامی خصوصیات و خوی وحشی‌اش را به کناری نهد. نویسنده آمریکایی اثر، حق بی‌اندازه‌ای را که جامعه صنعتی سرمایه‌داری به قوی‌تر می‌دهد، به‌وضوح می‌بیند و آن را با انتقاد کم‌تری، به زندگی در طبیعتی که - «سپید دندان»، تنها به علت روحیه جنگاوری خود در رودررویی با جهان دشمن‌خوی پیرامونش دارد - منتقل می‌کند. درست در توصیف همین تضادها و کشمکش‌های اغلب شدید است که «جک لندن»، گیرایی و سرزندگی داستان را حفظ می‌کند. این ویژگی، عناصر شاعرانه‌ی ارایه‌شده با طبیعت‌گرایی برجسته‌ی یک حیوان درنده را با قالب رمانی ماجراجویی، پیوند می‌دهد.

حس درونی داستان که از قدرت تجزیه و تحلیل بالای نویسنده در به تصویر کشیدن لحظات مهیج و جالب داستان برآمده است، خود گواهی است بر این اثر ارزشمند که به زیبایی این داستان می‌افزاید و هر فرد رمان‌خوانی را به خواندن آن مجذوب می‌کند.

کتاب انتشارات پر



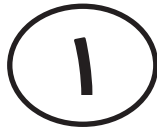


---

# فصل اول

---





## ردپای شکار



در دو طرف رود یخزده، جنگل وسیع درختان کاج باحالت اسرارآمیزی وجود داشت. باد تندی، لباس برفی شاخه‌های کاج را تکانده بود در زیر نور آفتابی که رو به غروب می‌رفت سیاه و افسرده به نظر می‌رسیدند.

سکوتی سخت و سنگینی حاکم بود. زمین این جنگل همانند بیابانی خالی و بی‌پایان بود. بیابانی که در آن جنبه‌ای وجود نداشت، بیابانی سرد و تاریک که انسان از شدت ترس حتی از خوش هم فرار می‌کرد.

جنگل ترسناک که تبسمی در خود داشت، تبسمی تلخ و سرد. حتی بی‌اساس و تمسخرآمیز. مثل خنده تمسخرآمیز کائنات در انسان. وحشی و بی‌رحم به نظر می‌رسید. سرزمین‌های شمالی با قلبی یخی، این بیابان سرد وحشتناک همانند شمال منجمد بود، شمالی که اعماق آن سرد و یخ بود. بر سطح سرد و یخزده این رودخانه، سورت‌مه‌ای که چند سگ به آن بسته شده بود به‌سختی پیش می‌رفت.